

الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه: گامی در جهت تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

محمد منتظری،¹ اکبر بهمنی،² علیرضا فتحی زاده³

چکیده

حکمرانی خوب مبحثی است که در دهه‌های اخیر توجه محافل علمی را به خود جلب کرده است. تحقیقات بیان می‌دارند متناسب با مقتضیات کشورها (عوامل سیاسی، فرهنگی و مذهبی) الگوی حکمرانی خوب توسعه می‌یابد. پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه، به‌عنوان گامی در جهت تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت انجام شده است. این پژوهش با رویکردی کیفی، با استفاده از استراتژی مفهوم‌سازی داده‌بنیاد به بررسی شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه حضرت علی(ع) در قالب خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه پرداخته است و سپس با ارائه الگویی با عنوان حکمرانی کریمه، آن را با الگوهای رایج حکمرانی خوب مقایسه می‌کند؛ بدین ترتیب که بخش‌هایی از نهج البلاغه که براساس کلیدواژه‌های مرتبط با حکمرانی انتخاب شدند، در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند که دستاورد آن، برداشت 606 کد، 86 مفهوم و 24 مقوله بود. نتایج نشان داد رفتار فاضله به‌عنوان پدیده محوری و در تعامل با عوامل دیگر موجد حکمرانی کریمه به‌عنوان الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه است. شیوه تعامل این عوامل در مدل نهایی تحقیق نشان داده شده است.

واژگان کلیدی: حکمرانی کریمه، حکمرانی خوب، امام علی(ع)، تئوری مفهوم‌سازی داده‌بنیاد.

1. استادیار، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران / montazer56@yahoo.com (نویسنده مسئول)

2. استادیار، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

3. استادیار، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

1. مقدمه و بیان مسئله

پس از ظهور مشکلات اندیشه اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک از اواسط قرن نوزدهم، نهادگرایی به عنوان اندیشه‌ای بدیل و ابتدا در قالب نهادگرایی قدیم ظاهر شد (جوشقانی‌نایینی و همکاران، 1396: 97). مکتب نهادگرایی این باور را که اقتصاد آزاد توزیع بهینه درآمد و تخصیص بهینه منابع را صورت می‌دهد، قبول ندارد و از اصلاحات اجتماعی در امر توزیع عادلانه ثروت و درآمد استقبال می‌کند؛ از این رو طرفداران این مکتب نقش اقتصادی - اجتماعی برجسته‌ای برای دولت قائل هستند (قدیری اصل، 1376: 762). به‌طور کلی نهادیون معتقد بودند با اعمال برنامه‌های اصلاحات اقتصادی و با تأکید بر توجه به تعامل کارآمد نهادهای اثرگذار (دولت، نهادهای مدنی و بازار)، امکان حفظ سرمایه‌داری از طریق بهبود شرایط زندگی برای طبقات کم‌درآمد و به‌ویژه توده‌ها فراهم می‌آید (شریف‌آزاده و همکاران، 1393: 1). در واقع در هر دو مکتب نهادگرایی قدیم و جدید به موضوع تأثیر نهادها در شکل‌دهی رفتار و عملکرد اقتصادی توجه شده است؛ با این تفاوت که نهادگرایان قدیم معتقدند رفتار فردی در درون نهادها شکل می‌گیرد؛ از این رو نهادها تعیین‌کننده تصمیم‌های اقتصادی بشر هستند، در حالی که نهادگرایان جدید بر این باورند که نهادها تنها می‌توانند محدودیت‌های معینی را بر مجموعه انتخاب‌های فردی تحمیل کنند (جوشقانی‌نایینی و همکاران، 1396: 104). در نهایت، نهادگرایی جدید بر نقش نهادها و به‌ویژه دولت و حکومت در زمینه‌سازی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی شهروندان تأکید دارد. در راستای تدارک موفقیت‌آمیز این نهادها، یکی از مباحث مهم و درعین حال نوین که از دهه 1980 به بعد در ادبیات توسعه مطرح شده است، موضوع حکمرانی¹ و حکمرانی خوب² است (یگانگی و همکاران، 1395: 2). این موضوع به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه و در راستای استقرار و نهادینه‌سازی جامعه مدنی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است (شریف‌زاده و قلی‌پور، 1383: 103)؛ واژه نوینی که در رابطه با واژه قدیمی دولت معنا و مفهوم روشنی ندارد (قلی‌پور، 1387: 81).

اصطلاح حکمرانی از لغت یونانی کیبرنتس³ و کیبرنان⁴ گرفته شده و معنی آن هدایت‌کردن،

1. Governance
3. Kybernetes

2. Good Governance
4. Kybernan

راهنمایی کردن یا چیزها را در کنار هم نگه داشتن است (نقیبی مفرد، 1389: 70). درحالی که مفهوم دولت دلالت بر واحد سیاسی برای انجام وظیفه سیاست‌گذاری دارد که برجسته‌تر از اجرای سیاست‌هاست، لغت و مفهوم حکمرانی اشاره به پاسخ‌گوبودن، هم در سیاست‌گذاری و هم در اجرا دارد (اکبری، 1385: 137). مک کارنی و همکاران (1995) حکمرانی را چنین تعریف کرده‌اند: رابطه بین جامعه مدنی و دولت، حکمرانان و حکمرانی‌شوندگان، حکومت و حکومت‌شوندگان (همان: 138). گزارش کمیسیون حکمرانی جهانی (1995) حکمرانی را الگوی مناسبی برای اصلاحات ساختاری به‌منظور توسعه کشورهای کمک‌گیرنده می‌داند. پس از اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری مورد نظر و تشویق کشورهای درحال توسعه به خصوصی‌سازی، مقررات‌زدایی و سایر اصلاحاتی که بیشتر رویکرد اقتصادی داشته‌اند و با مشخص شدن نتایج این سیاست‌ها در کشورهای مذکور و ناکامی در تحقق اهداف مورد نظر، رویکردهای دیگری مورد توجه قرار گرفته است که استقرار «حکمرانی خوب» مهم‌ترین آن به شمار می‌آید. (قلی‌پور، 1387: 81).

صاحب‌نظران و نهادهای ذی‌ربط، ویژگی‌ها و شاخص‌های متعددی از حکمرانی خوب را در قالب مدل‌های گوناگون مطرح کرده‌اند، اما هود (1995) اظهار می‌دارد تنها یک مدل منحصربه‌فرد حکمرانی خوب وجود ندارد، بلکه دامنه‌ای از الگوهای حکمرانی خوب را می‌توان تصور کرد که متناسب با شرایط وضعی کشورها (مانند عوامل سیاسی، فرهنگی و مذهبی) توسعه می‌یابند (رهنورد و عباسپور، 1386: 35). ازسوی دیگر، پس از پیروزی انقلاب و شکل‌گیری حکومت جمهوری اسلامی، ادعای نظری بنیان‌گذاران نظام اسلامی بر استقرار حکمرانی به شیوه اسلامی و با تأکید بر الگوی حکومتی امام علی (ع) مطرح شده است؛ ازاین‌رو نیاز به انجام پژوهش‌های گوناگون در زمینه مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی حکمرانی مطلوب از منظر تعالیم اسلامی و به‌ویژه سیره نظری و عملی امام علی (ع) کاملاً احساس می‌شود؛ بنابراین با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و مذهبی کشور ایران، می‌توان الگوی حکمرانی مبتنی بر اصول و متون اسلامی را مورد تحقیق قرار داد و شاخص‌های حکمرانی خوب را از دیدگاه اسلام و با استفاده از متون اسلامی استخراج کرد.

یکی از منابع غنی که می‌توان از آن برای جست‌وجوی شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه اسلام بهره گرفت، سیره نظری و عملی حضرت علی (ع) است که با وجود کوتاهی زمان حکومت‌داری، بهترین مصداق حکمران جامعه اسلامی بودند. چنین الگویی می‌تواند ضمن برشمردن

شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر نهج‌البلاغه، زمینه را برای مقایسه شرایط موجود با وضعیت مطلوب فراهم کند تا مدیران و صاحب‌منصبان، فاصله خود و جامعه تحت حاکمیت خود را با این شاخص‌ها کمتر و کمتر کنند. براساس این خردمایه، تحقیق حاضر با هدف ارائه الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه با و استفاده از استراتژی مفهوم‌سازی داده‌بنیاد انجام گرفته است.

2. اهداف و پرسش‌های پژوهش

هدف این تحقیق، استخراج مؤلفه‌های حکمرانی خوب و در نتیجه الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه است. از آنجاکه تحقیق حاضر در زمره تحقیقات کیفی بوده و با استفاده از استراتژی کیفی مفهوم‌سازی داده‌بنیاد انجام گرفته است، فرضیه‌ای برای پژوهش مطرح نمی‌شود. پرسش اصلی پژوهش این است که الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه چگونه است؟ پرسش‌های فرعی نیز عبارتند از اینکه: (1) شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه کدامند؟؛ (2) آیا می‌توان این شاخص‌ها را در قالب الگویی منسجم، تدوین کرد؟

3. پیشینه پژوهش

یوسفی شیخ‌رباط و بابایی (1397) تحقیقی با عنوان «استخراج مؤلفه‌های حکمرانی خوب براساس نامه مالک اشتر و بررسی تطبیقی با اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران» با روش اسنادی و تحلیل محتوا انجام دادند. نتایج نشان داد از نظر اسناد بالادستی، در قانون اساسی و برنامه پنجم توسعه به مؤلفه‌های حکمرانی خوب مستخرج از عهدنامه مالک اشتر توجه شده و در سند چشم‌انداز به دلیل ماهیتی که در طراحی افق مطلوب دارد، به همه مؤلفه‌های حکمرانی خوب از جمله تنظیم مناسب قوانین و ایجاد ثبات در جامعه توجه نشده است.

مرشدی‌زاد (1396) در پژوهشی با عنوان «حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی» که با ترکیب روش استقرایی و قیاسی انجام داده است، نتیجه گرفته که در نگاه نخست به نظر می‌رسد مفاهیم و اجزای مندرج در نظریه حکمرانی خوب، تضاد و تعارضی با ارزش‌های جمهوری اسلامی ندارد و می‌توان از آن برای ایجاد نظامی کارآمدتر و سالم‌تر بهره گرفت.

طاهری و ارسطا (1395) در تحقیق خود با عنوان «بررسی تطبیقی مبانی اصل شفافیت از دیدگاه اسلام و نظریه حکمرانی خوب» به این نتیجه رسیده‌اند که اسلام در عین حال که بر اصل شفافیت

تأکید دارد، دیدگاه مشخصی درباره مبانی آن دارد که این دیدگاه در موارد متعددی با نظریه حکمرانی خوب همپوشانی داشته و در پاره‌ای ابعاد نیز مغایرت دارد.

عیوضی و مرزبان (1395) در تحقیقی با عنوان «بررسی مؤلفه‌های حکمرانی خوب از منظر امام خمینی(ره)» که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شد، دریافتند مهم‌ترین مؤلفه‌های حکمرانی خوب در اندیشه امام خمینی(ره) با الهام از آموزه‌های قرآن، سیره و سنت حکومت نبوی عبارتند از: توجه به حاکمیت قانون، مشارکت مردم، عدالت‌جویی، اعتمادسازی و پاسخ‌گویی حکومت به مطالبات مردمی. شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی (1392) در مقاله‌ای با عنوان «نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه» با روش توصیفی - تحلیلی به این نتیجه دست یافتند که دیدگاه امام علی(ع) درباره حکمرانی نه تنها منافاتی با نظریه حکمرانی خوب ندارد بلکه در بسیاری از موارد از آن کامل‌تر و جامع‌تر است.

شاکری (1393) در تحقیقی با عنوان «تأملی بر مؤلفه‌های حکمرانی خوب در نهج البلاغه» به روش توصیفی - تحلیلی به این نتیجه دست یافت که امام علی(ع) هم در مقام نظر معتقد به حکمرانی خوب بودند و هم در مقام عمل می‌کوشیدند آن را در جامعه حاکم کنند و معتقد بودند حکومتی می‌تواند مصداق حکمرانی خوب باشد که از اساس بر ضوابط عقلی و شرعی استوار و مقبول مردم باشد.

با بررسی پیشینه تحقیق مشخص می‌شود که اگرچه پژوهش‌های گوناگونی پیرامون حکمرانی خوب از دیدگاه اسلام و نهج البلاغه انجام شده است، اما نوآوری تحقیق حاضر در این است که از یک سو، از روش تحقیق مفهوم‌سازی داده‌بنیاد به‌عنوان یک استراتژی تحقیق کیفی استفاده شده است و از سوی دیگر مدل استخراج‌شده با نظریه‌های موجود حکمرانی خوب مقایسه شده است.

4. چهارچوب نظری

4-1. مفهوم حکمرانی خوب

واژه حکمرانی خوب ابتدا در بُعد اقتصادی در دستورکار مجامع بین‌المللی قرار گرفت و به‌عنوان پیش‌شرط کمک‌های توسعه از جانب مؤسسه‌های مالی بین‌المللی به کشورهای در حال توسعه و فقیر، مطرح شد. بعدها علاوه بر بُعد اقتصادی، بُعد سیاسی نیز به آن افزوده شد. امروزه رویکردها و نگاه تازه مجامع جهانی و سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، رویکردی انسانی و نرم‌افزاری

است (جاسبی و نفری، 1388: 88). برای نمونه تحقیقات متعددی از نقش حکمرانی خوب در بهبود زندگی مردم (فری و استوتزرا، 2005: 91؛ اوت²، 2011: 3)، رضایت و خوشحالی جامعه (اوت، 2010: 632؛ هلیول و وانگ³، 2011: 43)، کیفیت روابط بین شهروندان با دولت (هلیول و همکاران، 2014: 147)، اعتماد اجتماعی (روت‌اشتاین و دانیل⁴، 2009: 82)، و در نهایت روابط میان شهروندان با یکدیگر (هلیول و همکاران، 2018: 1335) حکایت می‌کنند و این نشان‌دهنده تأثیرات گسترده حکمرانی خوب در حوزه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی جامعه علاوه بر مسائل اقتصادی است.

سازمان ملل متحد که برنامه توسعه بین‌المللی را دنبال می‌کند و فعالیت‌های گسترده‌ای را در زمینه حکمرانی خوب در کشورهای مختلف جهان انجام می‌دهد، حکمرانی خوب را شامل مکانیزم‌ها، فرایندها و نهادهایی می‌داند که به واسطه آن شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را محقق و تعهدات خود را برآورده می‌سازند (سازمان ملل متحد، 2002). هدف برنامه توسعه ملل متحد از تعریف و تبیین ویژگی‌های حکمرانی این است که مردم در جامعه‌ای زندگی کنند که حکومت خوب داشته باشد (جاسبی و نفری، 1388: 89).

بانک جهانی نیز سه جنبه متمایز از حکمرانی خوب ارائه می‌دهد: نوعی نظام سیاسی؛ فرایندی که در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی کشور در جهت توسعه اعمال می‌شود؛ و ظرفیت دولت‌ها برای طراحی، تدوین و اجرای خط‌مشی‌ها (دیجانتو⁵، 2009: 51).

در کل می‌توان گفت حکمرانی خوب، تمرین مدیریت (سیاسی، اقتصادی، اجرایی و غیره) منابع یک کشور، برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده است. این تمرین دربرگیرنده راهکارها و نهادهایی است که افراد و گروه‌های اجتماعی از طریق آنها، توانایی دنبال‌کردن علایق و حقوق قانونی خود را با توجه به محدودیت‌ها داشته باشند (صباغ کرمانی، 1387: 137).

محققان حکمرانی خوب را با ابعاد (سیاسی، اقتصادی و انسانی) و رویکردهای توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی و توسعه پایدار انسانی تعریف کرده‌اند. در رویکرد توسعه اقتصادی، تأکید زیادی بر عملکرد اقتصادی کشورها می‌شود، اما در توسعه سیاسی ویژگی‌هایی مانند مشروعیت دولتی، پاسخ‌گویی و غیره بیان می‌شود و در رویکرد توسعه اجتماعی، عدالت و برابری، هدایت‌گری منابع

1. Frey and Stutzer
3. Helliwell & Wang
5. Djontu

2. Ott
4. Rothstein & Daniel

انسانی و غیره مورد تأکید است (دباغ و نفری، 1388: 3). در ادامه برخی از الگوهای ارائه شده در راستای این رویکردها که مبنای بررسی تطبیقی پژوهش حاضر قرار گرفته‌اند، توضیح داده می‌شوند.

2-4. شاخص‌های حکمرانی خوب

بانک جهانی در سال 2002، با رویکرد توسعه اقتصادی، شش عامل رابه‌عنوان ویژگی‌های الگوی «حکمرانی خوب» پیشنهاد داده است که عبارتند از:

• حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی¹؛

• بی‌ثباتی سیاسی و خشونت²؛

• اثربخشی دولت³؛

• مقررات زائد⁴؛

• حاکمیت قانون⁵.

• فساد⁶

در این الگو هر اندازه ویژگی‌های مثبت مانند حاکمیت قانون، پاسخ‌گویی و اثربخشی دولت در یک جامعه بیشتر و فساد، مقررات زائد، بی‌ثباتی سیاسی و خشونت کمتر باشد، وضعیت حکمرانی خوب در آن جامعه مناسب‌تر خواهد بود (میدری، 1387: 258).

به‌تازگی سازمان ملل به کمک دپارتمان توسعه بین‌المللی در انگلستان، شروع به بازنگری شاخص‌های موجود در الگوی حکمرانی خوب کرده است. این پروژه بر شاخص‌های بالقوه حکمرانی براساس معیارهایی همچون کیفیت و پوشش داده‌ها، شفافیت جمع‌آوری اطلاعات، سطح پذیرش دولت‌ها و ارتباط شاخص‌ها با پیامدهای حاصل از توسعه تأکید دارد (الوانی، 1386: 6).

بووایرد و لافلر (2003) دو زمینه کلیدی برای حکمرانی خوب را این‌گونه بیان داشته‌اند:

1. بهبود در پیامدهای خط‌مشی عمومی: تأکید این محققان بر ارزیابی موفقیت اقدامات دولتی

براساس تغییرات کیفیت زندگی افرادی است که تحت تأثیر خط‌مشی‌ها قرار می‌گیرند، به جای کیفیت خود فعالیت‌ها؛

1. Voice and Accountability
3. Government Effectiveness
5. Rule of law

2. Political Instability and Violence
4. Regulatory Burden
6. Corruption

الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه

2. مشارکت تمام ذی‌نفعان به گونه‌ای که خط‌مشی‌های عمومی به‌طور مناسب‌تری طراحی و اجرا شوند که شاخص‌های آن عبارتند از:

- مشارکت شهروندان؛
- پاسخ‌گویی؛
- تساوی حقوق؛
- توانایی برای رقابت در محیط جهانی؛
- توانایی برای کار مشترک و اثربخش؛
- پایداری؛
- مساوات و برابری (از نظر جنسیت، قومیت، سن، مذهب و غیره)؛
- احترام به حاکمیت قانون؛
- رفتار اخلاقی و صادقانه؛
- شفافیت (بووایرد و لافلر، 2003: 323).

ابعاد سیاسی ارائه‌شده در رویکرد سیاسی حکمرانی خوب شامل این ویژگی‌هاست: مشروعیت دولتی، پاسخ‌گویی دولتی، تحقق حقوق بشر از طریق حاکمیت قانون، و شایستگی دولتی (پورتر، 1999: 28). در سال 2003 انجمن حکمرانی در اتاوا کانادا با اشاره به اهمیت موضوع حکمرانی خوب برای توسعه اجتماعی، شاخص‌های حکمرانی خوب را در قالب شاخص‌های اصلی و فرعی به‌صورت جدول شماره 1 ارائه داد.

جدول شماره 1. اصول پنج‌گانه حکمرانی خوب

شاخص‌های اصلی	شاخص‌های فرعی
مشروعیت و حق اظهارنظر	مشارکت
	تلاش برای رسیدن به اجماع
هدایت‌گری	دید استراتژیک
عملکرد	مسئولیت‌پذیری
	اثربخشی و کارایی
پاسخ‌گویی	پاسخ‌گویی

شاخص های اصلی	شاخص های فرعی
انصاف (عدالت)	شفافیت
	برابری
	حاکمیت قانون

به تازگی در یک جمع بندی، کافمن و همکاران (2010) به عنوان پژوهشگران بانک جهانی با بررسی یافته های مؤسسه های مختلف بین المللی پیرامون وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها، شاخص های کلی و جدیدی را به شرح جدول شماره 2 معرفی کرده اند که می توان آن ها را وجه مشترک تقسیم بندی های موجود انگاشت. این شش شاخص مبنای مقایسه در تحقیق حاضر هستند.

جدول شماره 2. جمع بندی شاخص های حکمرانی خوب (کافمن و همکاران، 2010)

شاخص های اصلی	شاخص های فرعی
حق اظهار نظر و پاسخ گویی	آزادی های قانونی، انتشار آزاد اطلاعات، تقویت آگاهی های عمومی
ثبات سیاسی	کاهش درگیری های جناحی و نزاع های داخلی، مبارزه با تروریسم
اثربخشی دولت	تدوین و اجرای سیاست های صحیح، دستگاه اداری کارآمد
کیفیت قوانین و مقررات	مجوزها و موافقت نامه های دولتی، قوانین کسب و کار
حاکمیت قانون	نظام قضایی منصف و قابل پیش بینی، تضمین حقوق مالکیت
کنترل فساد	شفافیت، افزایش درآمدهای مالیاتی

5. روش شناسی پژوهش

پاسخ به پرسش های تحقیق نیازمند نوعی روش شناسی است که بتواند به بررسی و تحلیل متن کتاب نهج البلاغه که اغلب داده هایی کیفی هستند، بپردازد و علاوه بر آن امکان ایجاد الگوی نوینی را که حاصل استخراج و مفهوم سازی عوامل مشترک بین آنهاست، بررسی و فراهم سازد؛ از این رو تحقیق حاضر از استراتژی مفهوم سازی داده بنیاد که یکی از استراتژی های محوری در پژوهش های کیفی است بهره می گیرد.

استراتژی تئوری مفهوم سازی داده بنیاد نوعی روش شناسی کیفی است که از رویه های نظام مندی برای ایجاد تئوری داده بنیاد در مورد یک پدیده، با روش استقرایی استفاده می کند (استراس و

کوربین¹، 1387: 22). به عبارت دیگر هدف نهایی این استراتژی، ارائه تبیین‌های نظری فراگیر درباره پدیده خاصی است که به صورت استقرایی از مطالعه آن پدیده حاصل می‌شود (دانایی فرد و مؤمنی، 1387). در واقع این استراتژی در پی ایجاد تئوری از طریق تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده است، نه از طریق بررسی ادبیات پژوهش و سپس آزمون تئوری تدوین شده (دانایی فرد، 1384).

6. نمونه آماری

اگرچه قاعده محض یا راهنمایی خاصی برای حجم نمونه در استراتژی مفهوم‌سازی داده‌بنیاد وجود ندارد، اما به‌طور کلی نمونه‌برداری کیفی شامل واحدهای کوچک در مطالعه عمقی است (هومن، 1385: 92). در این پژوهش، کتاب نهج البلاغه با توجه به اینکه به‌عنوان برترین کتاب نگاشته شده توسط کامل‌ترین انسان تربیت‌یافته در اسلام، مباحث ارزشمندی را پیش روی انسان می‌گذارد (دانایی فرد و مؤمنی، 1387: 43) انتخاب شده است. خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصاری که مرتبط با حکومت و حکمرانی بوده و حاوی کلیدواژه‌هایی مانند حکمرانی، حکمران، حکومت، ولایت، والی، حاکم و مانند آن بودند، به‌عنوان نمونه تحقیق برای کدگذاری انتخاب شدند. این متون به‌صورت خطبه‌خط توسط محققان مرور و تحلیل شدند که در ادامه به تفصیل به این فرایند پرداخته شده است.

7. تجزیه و تحلیل و کدگذاری داده‌ها

در استراتژی مفهوم‌سازی داده‌بنیاد، تحلیل اطلاعات از طریق کدگذاری داده‌های کیفی مشتمل بر سه مرحله کدگذاری باز²، محوری³ و انتخابی⁴ انجام می‌شود (استراس و کوربین، 1387: 58). کدگذاری در تئوری مفهوم‌سازی بنیادی، شکلی است از تحلیل محتوا که در پی یافتن و مفهوم‌سازی موضوعات قابل‌بحثی است که در میان انبوه داده‌های اطلاعاتی وجود دارند (دانایی فرد، 1384).

7-1. کدگذاری باز

با توجه به این نکته که در این تحقیق، متن کتاب نهج البلاغه مد نظر قرار گرفته است، در نخستین چرخه مطالعه با بررسی خطبه‌خط متن و با توجه به کلیدواژه‌های مورد نظر، جمله‌ها و فرمایشاتی

1. Strauss & Corbin
3. Axial Coding

2. Open Coding
4. Selective Coding

که مستقیم یا غیرمستقیم به حکمرانی خوب اشاره داشتند، انتخاب و با استخراج مفاهیم از آنها، نخستین چرخه کدگذاری باز آغاز شد. در زمان مطالعه متن، همواره این پرسش پیش روی محقق بود که شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه حضرت علی (ع) کدامند؟ سپس با طرح این پرسش که این مفاهیم در چه مواردی با یکدیگر مشابه هستند، از طریق فرایند مقایسه‌ای، شباهت‌ها و تفاوت‌های مفاهیم، بررسی شده و مفاهیم شبیه هم در یک مقوله یا دسته‌بندی قرار داده شدند. این شیوه مقایسه مستمر مفاهیم با یکدیگر را «شیوه تطبیقی پیوسته» یا «روش تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای مداوم» می‌گویند (استراس و کورین، 1387: 62).

پس از انجام مرحله کدگذاری باز، 606 کد، 86 مفهوم و 24 مقوله پدیدار شدند. به دلیل گستردگی جداول مربوط به ایجاد مفاهیم از متن کتاب، از آوردن این جداول خودداری شده و تنها به شکل‌گیری مقوله‌ها از مفاهیم اشاره شده است.

جدول شماره 3. شکل‌گیری مفاهیم و مقوله‌ها از متن (کدگذاری باز)

مقوله	مفاهیم
شایستگی	اهتمام به شایستگی کارگزاران (خطبه‌های 3، 16، 68 و نامه‌های 27 و 53)، نفی قومیت‌گرایی، اجتناب از خویشاوندبازی (خطبه 56 و نامه 53)
عدالت فراگیر	قاطعیت در تحقق قسط و مساوات (خطبه‌های 15، 34، 126 و نامه‌های 9، 27، 46، 53 و 59)، تأکید بر احقاق حق (خطبه‌های 205 و 216)
صلح‌طلبی	اجتناب از جنگجویی (خطبه‌های 43، 55، 93، 168 و نامه‌های 4، 12 و 14)
حاکمیت قانون	پرهیز از قانون‌گریزی (خطبه‌های 24، 27 و 105)، احترام به سلسله‌مراتب (نامه‌های 12، 13 و 50)، ضرورت پیروی مردم از قانون، ضرورت پایبندی به اصول و قانون، مذمت تخلف (خطبه‌های 10، 55، 61، 138، 173 و نامه‌های 3، 6 و 8)
تحقق وحدت	تأکید بر وحدت، نقد تکثرگرایی، مذمت نفاق (خطبه‌های 34، 97، 169، 194 و نامه‌های 7 و 10)
احساس مسئولیت	تأکید بر احساس مسئولیت، پایبندی به عقود، تأکید بر مسئولیت ویژه خواص، اهتمام حاکمیت در نیل به رشد اجتماعی (خطبه‌های 3، 35 و 84 و نامه‌های 19 و 53)

الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه

مقوله	مفاهیم
خردگرایی	رد تفکر خردگریزی (خطبه‌های 78، 169 و نامه‌های 13 و 19)، نفی بدعت‌گذاری (خطبه 87 و نامه‌های 6، 10 و 53)، مراقبت بر ایجاد خدشه به اعتبار حاکمیت، احتیاط در به‌کارگیری زنان در سیاست، اهمیت تصمیم‌های اقتضایی، ضرورت بصیرت و درایت در حاکمان (خطبه‌های 10، 88 و 93)، پرهیز از بزرگ‌پنداری مسائل، توجه به تفاوت اقوام، ضرورت واقع‌بینی (خطبه 56)، حفظ وحدت رویه، پرهیز از خرافه و جادو، توجه به تجارب، پرهیز از افراط و تفریط (خطبه 3).
شفافیت	تأکید بر اطلاع‌رسانی صادقانه، نفی عوام‌فریبی (خطبه‌های 16، 17، 84، 200 و نامه 53)
سوءاستفاده‌نکردن از قدرت	نفی سوءاستفاده از منصب، ضرورت زهد در حاکمان، نفی قدرت‌طلبی (خطبه 3 و نامه‌های 34، 45، 53 و 61)
مشورت‌پذیری	پرهیز از استبداد و خودمحموری، لزوم مشورت (خطبه‌های 30، 88، 216 و نامه‌های 5، 31، 36 و 53)
پرهیز از احتجاج	پرهیز از احتجاج، نفی کبر در حکام، تأثیرات امت بر حاکمیت (نامه‌های 46 و 53)
پاسخ‌گویی	لزوم پاسخ‌گویی به مردم (خطبه‌های 87، 92، 118 و نامه‌های 46 و 53)
انتقادپذیری	انتقادپذیری حاکمیت (خطبه‌های 205، 216 و نامه‌های 1، 7 و 53)
نظارت بر کارکنان	توجه به اصالت و پیشینه کارگزاران، نظارت بر زیردستان، لزوم وجود قدرشناسی در حاکمیت (خطبه‌های 17، 75، 80، 173 و نامه 53)
مقابله با فساد	قاطعیت در تقابل با مسائل اقتصادی، اهمیت مراقبت از بیت‌المال، تقبیح وجود مفسد در کارگزاران، لزوم برخورد با تخلف، قاطعیت در برخورد با مفسد، حقوق حکام بر کارگزاران (خطبه‌های 3، 6، 15، 119، 224، 232 و نامه‌های 5، 26، 53 و 79)
جلب رضایت عمومی	تکریم کرامت انسانی، نفی دیکتاتورسیم، توجه به همه‌آحاد اجتماع، اهمیت رضایت عمومی، تأثیر رضایت عمومی بر بقای حکومت، توجه به حقوق ملت، ضرورت رأفت حاکمیت با عوام و دشمن (خطبه 3 و نامه‌های 8، 19، 27 و 53)
برقراری امنیت	قاطعیت در قبال دشمن، مراقبت در مقابل منافقان، لزوم برقراری امنیت اجتماعی (خطبه‌های 17، 34، 40، 97، 116، 131، 194 و نامه‌های 7، 10، 53)
احترام متقابل حاکمیت و امت	پیروی از رهبری، حقوق متقابل امت و رهبری (خطبه‌های 34، 97، 169، 216 و نامه‌های 2، 5 و 53)
برخوردار از پشتوانه مردمی	لزوم مسئولیت اجتماعی در حاکمیت، تأکید بر جذب حداکثری امت، استفاده‌ی اقتضایی از مردم‌سالاری (خطبه‌های 12، 55، 71، 173 و نامه‌های 53 و 54)

مقوله	مفاهیم
اخلاق‌گرایی	نفی ماکیاولیسم، اهمیت برقراری دولت کریمه، نفی تفکر التقاطی، تأکید بر تنوکراسی، نفی ماتریالیسم، مذمت وجود رذائل اخلاقی در حکام، اهمیت وجود فضائل اخلاقی در حکام (خطبه‌های 50، 84، 92، 131 و نامه‌های 12 و 32)
ارشاد عمومی	رهبری پیشرو امت، تأثیر حاکمیت بر امت، جایگاه نافذ و والای رهبری (خطبه 105 و نامه‌های 4، 5 و 10)
حاکمیت مقتدر	ضرورت اقتدار حاکمیت، نفی هرج و مرج‌گرایی، نفی لاقیدی، قاطعیت در حاکمیت، بی‌توجهی به پاره‌گویان، نقد تفکر عوام‌گرایی (خطبه‌های 29، 31، 35، 100، 173 و نامه 6)
عمل‌گرایی	پرهیز از شعارگرایی به جای عمل‌گرایی، نفی حرافی (خطبه 29 و نامه 26، 28 و 53)
هدایت کارگزاران	اهتمام به هدایت‌گری (خطبه‌های 55، 87، 105، 109، 131، 187 و نامه 53)

شکل‌گیری مقوله‌ها در کدگذاری باز، راهنمای تمرکز بر سوالات شد و این حرکت چرخه‌ای به‌مرور به ایجاد پرسش در زمینه روابط میان مقوله‌های ایجادشده انجامید. به تدریج کدگذاری با شکل‌گیری و غنی‌شدن مقوله‌ها وارد مرحله کدگذاری محوری شد.

7-2. کدگذاری محوری

در کدگذاری محوری، با مجموعه‌ای سازمان‌یافته از مفاهیم و مقوله‌های اولیه مواجه‌ایم که نتیجه بررسی دقیق و تفصیلی متون در مرحله کدگذاری باز است. در کدگذاری محوری تحت قالب مدل پارادایمی، محقق با در نظر گرفتن شرایطی یکی از مقوله‌ها را به عنوان «مقوله محوری» انتخاب کرده، آن را تحت عنوان پدیده محوری در مرکز فرایند قرار داده و ارتباط سایر مقوله‌ها را با آن مشخص می‌کند. ارتباط سایر مقوله‌ها با مقوله محوری می‌تواند در پنج عنوان شرایط علی، راهبردها یا استراتژی‌های کنش، زمینه، شرایط مداخله‌گر و پیامدها تحقق داشته باشد (استراس و کوربین، 1387).

7-3. کدگذاری انتخابی

هدف در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، تولید تئوری است نه توصیف صرف پدیده. بدین منظور، مفاهیم و مقوله‌ها باید به‌طور منظم به یکدیگر مربوط شده و ارتباط نظام‌مند مقوله محوری با سایر مقوله‌ها در چهارچوب روایت تحقیق ارائه شود. این مهم در کدگذاری انتخابی به انجام می‌رسد. در واقع این

مرحله تفاوت چندانی با کدگذاری محوری ندارد و تنها در سطحی بالاتر و انتزاعی‌تر صورت می‌گیرد (استراس و کوربین، 1387: 119).

8. یافته‌های پژوهش

در تحقیق حاضر پرسش اصلی در قالب دو پرسش فرعی مطرح شد؛ به گونه‌ای که پاسخ به پرسش‌های فرعی در واقع پاسخ به پرسش اصلی است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود. نخستین پرسش فرعی پژوهش این بود که شاخص‌های حکمرانی خوب در نهج‌البلاغه کدامند؟ براساس یافته‌های تحقیق، شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه را می‌توان در قالب شش شاخص اصلی و 24 شاخص فرعی بیان کرد. این شاخص‌ها در جدول شماره 4 آورده شده‌اند.

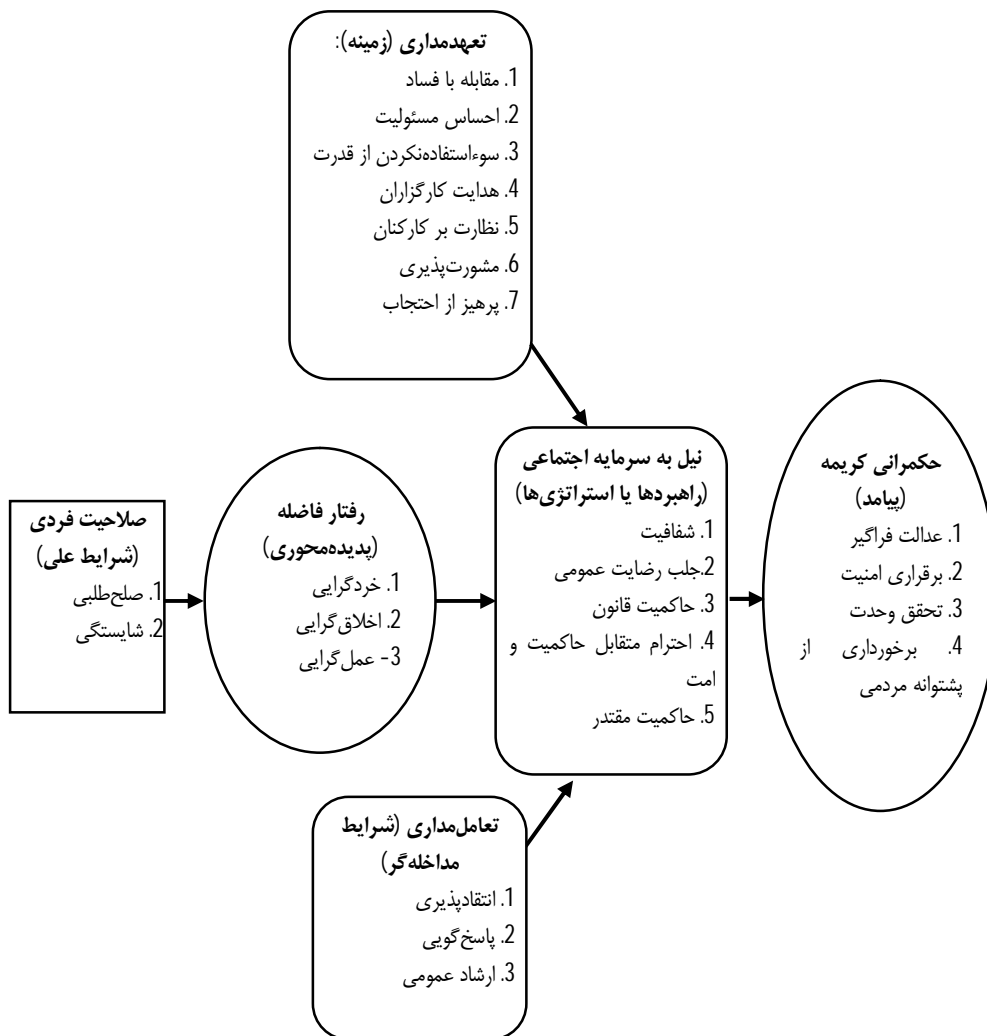
جدول شماره 4. شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه

شاخص‌های اصلی	شاخص‌های فرعی
رفتار فاضله	خردگرایی، خلاق‌گرایی، عمل‌گرایی
صلاحیت فردی	صلح‌طلبی، شایستگی
نیل به سرمایه اجتماعی	شفافیت، جلب رضایت عمومی، حاکمیت قانون، احترام متقابل حاکمیت و امت، حاکمیت مقتدر
تعهدمداری	مقابله با فساد، احساس مسئولیت، سوءاستفاده‌نکردن از قدرت، هدایت کارگزاران، نظارت بر کارکنان، مشورت‌پذیری، پرهیز از احتجاج
تعامل‌مداری	انتقادپذیری، پاسخ‌گویی، ارشاد عمومی
حکمرانی کریمه	عدالت فراگیر، برقراری امنیت، تحقق وحدت، برخورداری از پشتوانهٔ مردمی

پرسش دوم تحقیق این بود که آیا شاخص‌های برشماری شده از نهج‌البلاغه قابل‌تدوین در قالب الگویی منسجم هستند؟ در واقع پاسخ به این پرسش، متضمن طراحی الگویی است که روابط میان شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه را که در پرسش نخست بیان شد، تدوین کند. پاسخ به این پرسش در قالب مدل پارادایمی تحقیق ارائه و توضیح داده شده است.

9. مدل پارادایمی تحقیق: الگوی حکمرانی کریمه

شکل شماره 1. الگوی نهایی تحقیق براساس مدل پارادایمی



شکل شماره 1 روابط میان شاخص‌های اصلی را براساس مدل پارادایمی استراس و کوربین نشان می‌دهد که در ادامه به اختصار تشریح می‌شود.

1-9. مقوله محوری: رفتار فاضله

براساس این تحقیق و پس از کدگذاری باز و محوری داده‌ها و بررسی ویژگی‌های مورد نیاز برای مقوله محوری، «رفتار فاضله» که دربرگیرنده سه مقوله مهم «خردگرایی»، «اخلاق‌گرایی» و «عمل‌گرایی» است، به‌عنوان مقوله محوری انتخاب شد.

2-9. شرایط علی: صلاحیت فردی

بنا به تعریف، شرایط علی در مدل پارادایمی شرایط و عواملی هستند که سبب ایجاد و توسعه پدیده محوری می‌شوند. از میان مقوله‌های تدوین‌شده، مقوله‌های «صلح‌طلبی» و «شایستگی» به‌عنوان مقوله‌های تشکیل‌دهنده شرایط علی و با عنوان کلی «صلاحیت فردی» در نظر گرفته شدند.

3-9. استراتژی‌های کنش: نیل به سرمایه اجتماعی

این استراتژی‌ها بیانگر رفتارها، فعالیت‌ها و تعاملات هدف‌داری هستند که در پاسخ به مقوله محوری و تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر و زمینه، اتخاذ می‌شوند. این مقوله‌ها که در این تحقیق با عنوان کلی «نیل به سرمایه اجتماعی» مشخص شده‌اند، شامل «شفافیت»، «جلب رضایت عمومی»، «حاکمیت قانون»، «احترام متقابل حاکمیت و امت» و «حاکمیت مقتدر» می‌شوند.

برای نمونه، امام علی (ع) در تأکید بر جلب رضایت عمومی می‌فرماید: «دوست‌داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه‌ترین، و در عدل فراگیرترین، و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد که همانا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص را از بین می‌برد، اما خشم خواص را خشنودی مردم بی‌اثر می‌کند» (دشتی، 1384: 569).

4-9. زمینه یا بستر: تعهدمداری

این شرایط که بر استراتژی‌های کنش مؤثرند شامل مقوله‌هایی هستند که در مقایسه با شرایط علی که متغیرهایی فعال‌ترند، از قدرت تأثیرگذاری کمتری برخوردارند و در مدل طراحی شده با عنوان کلی «تعهدمداری» عبارتند از: مقوله‌های «مقابله با فساد»، «احساس مسئولیت»، «سوءاستفاده‌نکردن از قدرت»، «هدایت کارگزاران»، «نظارت بر کارکنان»، «مشورت‌پذیری» و «پرهیز از احتجاج». برای نمونه، حضرت علی (ع) در نامه 53 نهج‌البلاغه خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «مبادا

احتجاج تو از مردم به درازا بکشد که پنهان شدن والیان از مردم نشان دهنده تنگ‌خویی و ناآگاهی از مجاری امور است. پنهان شدن از مردم مایه گسست و بریده شدن رشته اطلاعات از درون جامعه است» (دشتی، 1384: 585).

9-5. شرایط مداخله‌گر: تعامل مداری

مجموعه شرایطی هستند که ضمن تأثیر بر استراتژی‌های کنش، مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود می‌کنند. این شرایط شامل متغیرهای میانجی و واسطه‌ای می‌شوند که در این مدل با عنوان کلی «تعامل مداری» معرفی شده و دربرگیرنده مقوله‌های «انتقادپذیری»، «پاسخ‌گویی» و «ارشاد عمومی» هستند.

9-6. پیامد: حکمرانی کریمه

برخی مقوله‌ها بیانگر نتایج و پیامدهایی هستند که در اثر اتخاذ استراتژی‌های کنش و متأثر از مقوله محوری، زمینه، شرایط علی و مداخله‌گر ایجاد شده و توسعه می‌یابند. پیامد این مدل، الگوی حکمرانی خوب است که مقوله «عدالت فراگیر»، «برقراری امنیت»، «تحقق وحدت» و «برخورداری از پشتوانه مردمی» در این دسته‌بندی قرار گرفته است.

در نمونه دیگری، امیرالمؤمنان علی (ع) درباره اهمیت عدالت، در خطبه 224 می‌فرماید: «به خدا سوگند! اگر همه شب را بر روی خارهای سعدان به سر ببرم و یا با گل و زنجیر به این سو و آن سو کشیده شوم، خوش‌تر دارم تا خدا و پیامبرش را در روز قیامت، در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم کرده یا چیزی از اموال عمومی را غصب کرده باشم» (دشتی، 1384: 459).

10. روایت تحقیق: پاسخ به پرسش اصلی

پرسش فرعی دوم به امکان طراحی الگویی منسجم که روابط میان شاخص‌های حکمرانی خوب را نشان دهد، دلالت دارد. پاسخ به این پرسش که به نوعی فراهم‌کننده پاسخ پرسش اصلی تحقیق نیز است، در قالب مدل پارادایمی تحقیق مطرح شد. مدل پارادایمی ارائه شده، صلاحیت فردی مشتمل بر صلح‌طلبی و شایستگی را به‌عنوان شرایط علی مطرح می‌کند. تأکید بر صلح‌طلبی از یک سو و توجه به شایستگی افراد از سوی دیگر منجر به خردگرایی و اخلاق‌گرایی و در نهایت عمل‌گرایی می‌شود. این

حالت رفتار فاضله‌ای را بین حکمرانان به وجود می‌آورد که به‌عنوان پدیده‌ی محوری مدل مطرح شده است. مدیران با رفتار فاضله، ایجاد شفافیت، سعی در تحقق رضایت عمومی جامعه، حاکمیت قانون و حاکمیت مقتدر و برقراری احترام متقابل حاکمیت و امت، خود را موظف به انجام وظایف در قبال جامعه می‌کنند تا شرایط برای به‌دست‌آوردن میزان بالایی از سرمایه اجتماعی آماده شود. به‌علاوه مقابله با فساد، احساس مسئولیت، سوءاستفاده‌نکردن از قدرت، هدایت کارگزاران، نظارت بر کارکنان، مشورت‌پذیری و پرهیز از احتجاب در قالب کلی تعهدمداری به‌عنوان بستر حاکم بر راهبردها تأثیر می‌گذارند. همچنین انتقادپذیری، پاسخ‌گویی و ارشاد عمومی در قالب کلی تعامل‌مداری، با عنوان شرایط مداخله‌گر بر استراتژی‌ها مؤثر خواهند بود. در نهایت برگزیدن این استراتژی‌ها تحت تأثیر بستر و شرایط مداخله‌گر، منجر به ایجاد و تقویت حکمرانی کریمه خواهد شد.

11. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش‌های فراوانی پیرامون مفهوم حکمرانی خوب صورت گرفته و الگوهای گوناگونی در این باره ارائه شده است که هرکدام از زاویه‌ای به آن می‌پردازند. در این تحقیق کیفی تلاش شد با استفاده از استراتژی مفهوم‌سازی داده‌بنیاد، به الگویی دست یابیم که شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه را تبیین کند. نتایج تحقیق که از تحلیل و کدگذاری خطبه‌ها و نامه‌های انتخابی نهج‌البلاغه استخراج شد، به تدوین «الگوی حکمرانی کریمه» انجامید.

برای مقایسه الگوهای رایج حکمرانی خوب، محققان آن را با ابعاد سیاسی، اقتصادی و انسانی، و اهداف توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی و توسعه پایدار انسانی بررسی کرده‌اند (دباغ و نفری، 1388: 3). بانک جهانی در سال 2002 بیان می‌کند که هر اندازه ویژگی‌های مثبت مانند حاکمیت قانون، پاسخ‌گویی و اثربخشی دولت در یک جامعه بیشتر و فساد، مقررات زائد، بی‌ثباتی سیاسی و خشونت کمتر باشد، حکمرانی خوب در آن جامعه برای نیل به توسعه اقتصادی مناسب‌تر خواهد بود (میدری، 1383: 258). بعد سیاسی شامل ویژگی‌های مقابل است: مشروعیت دولتی، پاسخ‌گویی دولتی، تحقق حقوق بشر از طریق حاکمیت قانون، و شایستگی دولتی (پورتر، 1999: 28). در این راستا، در سال 2003 با توجه به اهمیت بهبود اجتماعی، پنج شاخص اصلی و نه شاخص فرعی بیان شد که شامل مشروعیت و حق اظهارنظر (مشارکت و اجماع)، هدایت‌گری (دید بلندمدت به توسعه انسانی)،

عملکرد (مسئولیت‌پذیری، کارایی و اثربخشی)، پاسخ‌گویی (پاسخ‌گویی، شفافیت) و انصاف (برابری، حاکمیت قانون) می‌شوند.

در یکی از جدیدترین الگوها که توسط کافمن و همکاران (2010) و پس از انجام پژوهشی در بانک جهانی مطرح شده است، شش شاخص شامل حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون، اثربخشی دولت و کنترل فساد به‌عنوان شاخص‌های اصلی حکمرانی خوب تعیین شده است. در این تحقیق نیز همین چهارچوب برای مقایسه الگوهای رایج حکمرانی خوب با الگوی حکمرانی کریمه، مبنای عمل قرار گرفته است.

الگوی حکمرانی کریمه بیان می‌کند که مبتنی بر «صلح‌طلبی» و «شایستگی» حاکمان، رفتار فاضله‌ای در آنان شکل می‌گیرد و مواردی از جمله «خردگرایی»، «اخلاق‌گرایی» و «عمل‌گرایی» در محور فعالیت‌های آنان قرار می‌گیرند. این رفتار را عواملی مانند «مقابله با فساد»، «احساس مسئولیت»، «سوءاستفاده‌نکردن از قدرت»، «هدایت کارگزاران»، «نظارت بر کارکنان»، «مشورت‌پذیری» و «پرهیز از احتجاج» به‌عنوان بستر و نیز شرایط مداخله‌گری همچون «انتقادپذیری»، «پاسخ‌گویی» و «ارشاد عمومی» همراهی کرده و منجر به تلاش برای «نیل به سرمایه اجتماعی» (استراتژی‌ها) در راستای «خردگرایی»، «اخلاق‌گرایی» و «عمل‌گرایی» توسط حاکمان می‌شوند. از جمله این استراتژی‌ها می‌توان به «شفافیت»، «جلب رضایت عمومی»، «حاکمیت قانون»، «احترام متقابل حاکمیت و امت» و «حاکمیت مقتدر» اشاره داشت. نتیجه تعامل بین این عوامل به‌صورت برقراری یا تقویت حکمرانی کریمه متبلور می‌شود.

با مقایسه این الگو با الگوی تدوین‌شده در این تحقیق، می‌توان شباهت‌ها و تفاوت‌هایی را برشمرد. در هر دو الگو، بر مواردی چون پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، شفافیت، مقابله با فساد، مسئولیت‌پذیری، هدایت‌گری و عدالت تأکید دارند. ازسوی دیگر، مقایسه الگوی حکمرانی کریمه با سایر الگوها نشان‌دهنده جامع‌بودن این الگوست؛ بدین معنی که الگوی حاصله برخلاف سایر رویکردها، نگرش جزئی‌نگر نداشته و به‌طور سیستمی بر همه ابعاد نظر داشته است. درعین حال همان‌گونه که مشاهده می‌شود در میان الگوهای رایج حکمرانی خوب، رویکرد اجتماعی (انسانی) بیشترین شباهت را با الگوی حکمرانی کریمه داراست.

ازآنجاکه الگوی حکمرانی کریمه، رفتار فاضله را مقوله محوری خود مطرح می‌کند، می‌توان

گفت این الگو، جایگاه متمایزی را فراهم می‌آورد که شاید بتوان آن را مهم‌ترین تفاوت این الگو با الگوهای رایج حکمرانی خوب دانست. این الگو در کنار تأکید بر نقش خاص دولت‌ها در ایجاد زمینه‌های توسعه و پیشرفت در جامعه، نقش افراد و به‌ویژه حاکمان را چنان برجسته می‌کند که رفتار و عمل بخردانه و اخلاقی آنان را محور فرایند شکل‌گیری و تقویت حکمرانی کریمه می‌داند. این اهمیت، با قراردادن مقوله شایستگی و صلاحیت‌های فردی به‌عنوان شرایط علی در این فرایند، دوچندان می‌شود.

براساس الگوی حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه، توجه به برخی ملاحظه‌های عملی توصیه می‌شود:

- تحقق الگوی حکمرانی کریمه به کارگزاران باصلاحیت و شایسته احتیاج دارد که خود نیازمند نظام‌گزینش بوده و انتخاب مناسبی برای جذب کارکنان و مدیران باکفایت است؛
- از آنجاکه یکی از موارد تأثیرگذار بر نیل به سرمایه اجتماعی، رفتار فاضله است که با تأثیر بر عمل‌گرایی تحت عنوان پدیده محوری مطرح شده است، توصیه می‌شود مدیران کلان دور از فضای حرافی، جنجال‌آفرینی و شعارزدگی، عمل‌گرایی را سرلوحه کار خود قرار دهند؛
- با عنایت به تعامل‌مداری و تأکید بر انتقادپذیری و پاسخ‌گویی با عنوان شرایط مداخله‌گر مؤثر بر نیل به سرمایه اجتماعی، توصیه می‌شود برای جلب رضایت عمومی، افزایش میزان احترام متقابل حاکمیت و امت و افزایش میزان شفافیت در جامعه، مدیران پاسخ‌گویی مناسب و به موقع را مورد تأکید عملی قرار داده و از پذیرش انتقادهای به‌حق سر باز نزنند.

فهرست منابع

نهج البلاغه

استراس، آنسلم؛ کورین، جولیت (1387)، اصول روش تحقیق کیفی نظریه‌مبنایی: رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
اکبری، غضنفر (1385)، «سرمایه اجتماعی و حکمرانی شهری»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره 83: 135-154.

الوانی، سید مهدی (1386)، «تحلیل بر حکمرانی خوب در ایران»، مطالعات مدیریت، شماره 53: 25-1.
جاسبی، جواد، و نفری، ندا (1388)، «طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم‌های باز»، فصلنامه علوم مدیریت ایران، شماره 16: 85-117.

جوشقانی‌نایینی، سید حمید؛ توکلی، محمدجواد؛ داوودی، پرویز (1396)، «تطور مفهومی نهاد و دلالت‌های آن بر مطالعات نهادی اقتصاد اسلامی و اقتصاد ایران»، جستارهای اقتصادی ایران، سال چهاردهم، شماره 28: 97-120.

دانایی‌فرد، حسن، مؤمنی، نونا (1387)، «تئوری رهبری اثربخش از دیدگاه امام علی(ع): استراتژی تئوری داده‌بنیاد متنی»، مطالعات انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره 14: 75-110.

دانایی‌فرد، حسن (1384)، «تئوری‌پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیادی»، دانشور رفتار، شماره 11.

دباغ، سروش، نفری، ندا (1388)، «تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب»، مدیریت دولتی، دوره 1، شماره 3: 3-18.

دشتی، محمد (1384)، ترجمه نهج البلاغه (ویرایش جدید)، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنان(ع).
دشتی، محمد (1379)، شناخت ویژگی‌های نهج البلاغه، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنان(ع)، قم: چاپ اول.

رهنورد، فرج‌اله، عباسپور، باقر (1386)، «حاکمیت خوب و امکان پیاده‌سازی آن در ایران»، مطالعات مدیریت، شماره 55: 25-38.

شاکری، حمید (1393)، «تأملی بر مؤلفه‌های حکمرانی خوب در نهج البلاغه»، اولین کنگره ملی تفکر و پژوهش دینی.

شاه‌آبادی، ابوالفضل، جامه‌بزرگی، آمنه (1392)، «نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه»، فصلنامه

پژوهشنامه نهج البلاغه، سال اول، شماره 2: 17-1.

شریف‌آزاده، محمدرضا؛ کمیجانی، اکبر؛ محمدی، تیمور؛ باقری، اکبر (1393)، «بررسی تأثیر متغیرهای نئوکلاسیکی و نهادی (شاخص‌های حکمرانی خوب) بر نرخ اشتغال کشورهای توسعه‌یافته عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی OECD»، فصلنامه اقتصاد کاربردی، سال چهارم، پاییز، 15-1.

شریف‌زاده، قلی‌پور، رحمت‌الله (1382)، «حکمرانی خوب و نقش دولت»، فرهنگ مدیریت، شماره 4: 93-110.

صباغ کرمانی، مجید؛ باسحا، مهدی (1388)، «نقش حکمرانی خوب در بهبود هزینه‌های دولت»، تحقیقات اقتصادی، شماره 86: 109-130.

طاهری، محسن؛ ارسطا، محمدجواد (1395)، «بررسی تطبیقی مبانی اصل شفافیت از دیدگاه اسلام و نظریه حکمرانی خوب»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال سوم، شماره 3: 25-3.

عیوضی، محمدرحیم؛ مرزبان، نازنین (1396)، «بررسی مؤلفه‌های حکمرانی خوب از منظر امام خمینی (ره)»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره 19: 117-137.

قدیری اصل، باقر (1376)، سیراندیشه اقتصادی، چاپ نهم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

قلی‌پور، رحمت‌الله (1387)، حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، چاپ اول.

مرشدی‌زاد، علی (1396)، «حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی»، دوفصلنامه آینده‌پژوهی ایران، سال دوم، شماره 3: 125-141.

میدری، احمد؛ و خیرخواهان، جعفر (1387)، حکمرانی خوب، بنیان توسعه، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

نقیبی‌مفرد، حسام (1389)، حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی‌شدن حقوق بشر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.

هومن، حیدرعلی (1385)، راهنمای عملی پژوهش کیفی، تهران: انتشارات سمت.

یگانگی، سیده عاطفه؛ الوانی، سید مهدی؛ معمارزاده طهران، غلامرضا (1395)، «اولویت‌بندی شاخص‌های حکمرانی خوب در سازمان‌های کارا (مطالعه موردی: شعب بانک رفاه استان قزوین)»، فصلنامه رسالت مدیریت دولتی، سال 7، شماره 21: 9-1.

یوسفی شیخ‌رباط، محمدرضا؛ بابایی، فهیمه (1397)، «استخراج مؤلفه‌های حکمرانی خوب براساس نامه مالک اشتر و بررسی تطبیقی با اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه نهج البلاغه، سال ششم، شماره 21: 115-135.

Bovaird, T., & Loffler, E. (2003), "Evaluating the quality of public governance: indicators,

- models and methodologies”, *International Review of Administrative Sciences*, 69: 45-69.
- Djontu, A. (2009), “Influence of NGOs, World Bank and Members of Parliament on the Cameroon Forestry Law: A Contribution to Good Forest Governance”, Dissertation in Albert-Ludwigs-University Freiburg in Breisgau.
- Frey, B. S., & Stutzer, A. (2005), “Beyond outcomes: measuring procedural utility”, *Oxford Economic Paper*, 57 (1): 90-111.
- Helliwell, J. F., & Wang, S. (2011), “Trust and wellbeing”, *International Journal of Wellbeing*, 1 (1): 42-78.
- Helliwell, J. F., Huang, H., Grover, S., & Wang, S. (2018), “Empirical linkage between good governance and national well-being”, *Journal of Comparative Economics*, 46 (4): 1332-1346.
- Helliwell, J. F., Huang, H., Wang, S. (2014), “Social capital and well-being in times of crisis”, *Journal of Happiness Studies*, 15 (1): 145-162.
- Kaufman, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2010), “The worldwide governance indicators: Methodology and analytical issues”, *Working paper*, No. 5430. Washington, DC: The World Bank.
- Ott, J. C. (2010), “Greater happiness for a greater number: Some non-controversial options for governments”, *Journal of Happiness Studies*, 11 (5): 631-647.
- Ott, J. C. (2011), “Government and happiness in 130 nations: good governance fosters higher level and more equality of happiness”, *Society Indicators Research*, 102 (1): 3-22.
- Porter, J. (1999), *Sustainability & Good Governance: What Can We Learn From the Urban Governance Initiative?* University of Technology Sydney-Center for Local Government.
- Rothstein, B., & Daniel, E. (2009), “Political corruption and social trust-an experimental approach”, *Rational Society*, 21 (1): 81-112.
- United Nations Development Program (2002), *Human Development Report*, New York: Oxford University Press.

ریکلوومی

اسلید مجری

ایپرا